



The University Of Tehran Press

Woman in Development and Politics

The Effect of Multidimensional Poverty on Informal Strategies of Women's Political Activism (Case study: Women Protesting the Lack of Water in the Village of Naqdi-ye Olya in 2021)

Golsoumeh Mohammadrezai¹ | Hakem Ghasemi²

1. PhD Candidate in Political Science, Department of Political Science, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. E-mail: s401319500@idu.ikiu.ac.ir
2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. E-mail: ghasemi@ikiu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 7 February 2024 Received in revised form: 08 August 2024 Accepted: 15 September 2024 Published online: 31 December 2024 Keywords: <i>Multidimensional Poverty, Informal Political Activism, Women's Activism, Female Villagers, Institutional Ethnography.</i>	Multidimensional poverty is one of the reasons rural women resort to informal activism strategies. In conjunction with the circumstances of rural women and the obstacles they face on a daily basis, it motivates them to advocate for political transformation and demand change. The women of Naqdi-ye Olya village in Meshkinshahr who were protesting opted for an informal approach to resolve their water concerns. This approach was influenced by their daily experiences of water transportation and the inefficiency of rural institutional mechanisms. The objective of this investigation is to study the influence of multidimensional poverty on the informal political activism strategies of rural women, with a particular emphasis on the lived experiences of the women in Naqdi-ye Olya. Institutional ethnography serves as the theoretical framework, emphasizing marginalized communities' lived experiences. Thematic analysis was employed to analyze the interview data. The findings reveal that the protesting women obstructed the road from Ardabil to Meshkinshahr for the inadequacy of rural institutional mechanisms in addressing their water problem. The women's awareness of their collective action power was raised, and the issue was transformed into a political matter because of the rapid response from officials and the dissemination of their protest video on social media. However, the water issue has persisted due to the transient nature of this informal solution and the incomplete responses from officials.
Cite this article: Mohammadrezai, G., & Ghasemi, H. (2024). The Effect of Multidimensional Poverty on Informal Strategies of Women's Political Activism (Case study: Women Protesting the Lack of Water in the Village of Naqdi-ye Olya in 2021). <i>Women in Development and Politics</i>, 22(4), 867-890. DOI: https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.371970.1008427	
© The Author(s). Publisher: The University of Tehran Press. DOI: https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.371970.1008427	



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

تأثیر فقر چندبعدی بر راهبردهای غیررسمی کنشگری سیاسی زنان (مطالعه موردی: زنان معترض به کمبود آب روستای نقدی علیا در سال ۱۴۰۰)

گلثومه محمدرضایی^۱ | حاکم قاسمی^۲^۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. رایانامه: s401319500@idu.ikiu.ac.ir^۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. رایانامه: a.alihosseini@ase.ui.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	فقر چندبعدی یکی از علت‌های روی آوردن زنان روستایی به راهبردهای کنشگری غیررسمی است که در ارتباط با بستر و موقعیت زنان روستایی و مشکلات زندگی روزمره، آنان را به مطالبه‌گری و تلاش برای تغییر سیاسی وامی‌دارد. در این راستا زنان معترض به مشکل آب در روستای نقدی علیای مشکین‌شهر برای حل مشکلشان در روند تجربه روزانه کولبری آب و عدم کارایی سازوکارهای نهادی روستایی، راهکاری غیررسمی را برگزیدند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر فقر چندبعدی بر راهبردهای غیررسمی کنشگری سیاسی در میان زنان روستایی با تمرکز بر تجربه زیسته زنان روستای نقدی علیای مشکین‌شهر است. چارچوب نظری پژوهش قوم‌نگاری نهادی و متمرکز بر تجربیات زیسته گروه‌های فرودست است. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مصاحبه گروه کانونی با زنان معترض و متون نهادی شامل خبرها، دستورالعمل‌های دولتی و فیلم پخش‌شده زنان جمع‌آوری شده است. تحلیل داده‌های مصاحبه بر مبنای تحلیل مضمون (تماتیک) است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که زنان معترض روستای نقدی علیای مشکین‌شهر برای حل مشکل آب روستا، به دلیل ناکارآمدی سازوکارهای نهادی روستایی در انتقال مشکل و پاسخ‌دهی مناسب، اقدام به بستن جاده اردبیل به مشکین‌شهر کردند. پخش فیلم اعتراضشان در فضای مجازی آن را به امری سیاسی تبدیل کرد و موجب واکنش سریع مسئولان شد و زنان روستا را از قدرت تأثیرگذاری عملکرد گروهی‌شان آگاه کرد، اما لحظه‌ای بودن راهکار غیررسمی همراه با پاسخ‌دهی ناقص مسئولان موجب پایداری مشکل آب شده است.
کلیدواژه‌ها: زنان روستایی، فقر چندبعدی، قوم‌نگاری نهادی، کنشگری زنان، کنشگری سیاسی غیررسمی.	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱	
استناد: محمدرضایی، گلثومه و قاسمی، حاکم (۱۴۰۳). تأثیر فقر چندبعدی بر راهبردهای غیررسمی کنشگری سیاسی زنان (مطالعه موردی: زنان معترض به کمبود آب روستای نقدی علیا در سال ۱۴۰۰). زن در توسعه و سیاست، ۲۲(۴)، ۸۶۷-۸۹۰.	
DOI: https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.371970.1008427	
DOI: https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.371970.1008427	
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.	© نویسندگان.



۱. مقدمه

شاخص درآمد ناکافی برای بررسی فقر، بسیاری از ابعاد فقر را به‌خصوص برای گروه‌های حاشیه‌ای که از امکانات رشد کمتری برخوردارند، پنهان می‌کند. دسترسی به امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی و عدم امکان برخورداری از کنشگری رسمی سیاسی از شاخص‌های فقر چندبعدی به‌حساب می‌آیند. زنان به‌خصوص زنان روستایی، سهم کمتری در کنشگری سیاسی رسمی دارند که علاوه بر باورهای جنسیت‌زده، فقر چندبعدی از عوامل مهم آن است. تجربه فقر چندبعدی در مناطق حاشیه‌ای و در فرایند زیست روزمره، در کنار نقصان مکانیسم‌های نهادی و ساختاری برای کنشگری سیاسی زنان به‌خصوص در روستاها و جوامع حاشیه‌ای، ضرورتاً راهبردهای غیررسمی کنشگری سیاسی را گسترش می‌دهد.

با توجه به اینکه ساختارهای تبعیض‌آمیز در لایه‌ها و روابط نهادی اعم از رفتارها و کلیشه‌های اجتماعی، فرهنگ و ساختارهای رسمی تعمیق شده و زیست روزمره گروه‌های حاشیه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد، کنشگری غیررسمی سیاسی در جوامع حاشیه‌ای و توسط گروه‌های حاشیه‌ای براساس واقعیات و ضروریات زندگی صورت می‌گیرد، ضمن اینکه بسته به بستر و امکان‌های پیشامدی گاهی به شکلی نوآورانه از جانب گروه‌های حاشیه‌ای برای مطالبه‌گری، تأثیرگذاری و تغییر سیاست‌ها نیز به‌کار گرفته می‌شود.

پدیده مهاجرت از روستا به شهر نیز از پیامدهای فقر چندبعدی است و بعضاً آن را در روستاها تشدید هم کرده است؛ به‌گونه‌ای که با تغییر ساختار جمعیتی روستاها، زنانه و پیرشدن نیروهای انسانی و فصلی شدن سکونت در روستاها را در پی داشته است. مضاعف‌شدن کار زنان و ضرورت زیست مستقل، شکاف طبقاتی در روستا، افزایش جمعیت روستا در فصل بهار و تابستان، تنش‌های آبی و استفاده نابرابر از منابع آب از پیامدهای مهاجرت از روستا به شهر است.

محرومیت روستاهای اطراف مشکین‌شهر نیز مهاجرت وسیعی به شهرهای بزرگ خصوصاً تهران را رقم زده است. بعضی از روستاها خالی از سکنه و برخی نیز خالی از نیروهای کار جوان شده و به سکونتگاه‌های فصلی تبدیل شده است. زنان روستای نقدی علیا که در اردیبهشت ۱۴۰۰ به مشکل آب اعتراض کردند، در چنین بافتار اجتماعی به‌عنوان کولبران آب قرار داشتند. ذخیره آب در سد سیلان و عدم بهره‌مندی مناسب اهالی روستا از آن نیز بر مشکلات آب افزوده بود؛ ضمن اینکه عدم امکان انتقال درست مشکل آب از طریق نهادهای روستایی همچون شورای روستا و دهیاری در فرایند فرسودگی زنان از کولبری آب موجب اقدام به بستن جاده و اعتراض توسط آنان شد. فیلم‌برداری و پخش فیلم اعتراض در آستانه انتخابات در رسانه‌ها و شبکه‌های مخالف نیز آن را به

یک کنش اعتراضی سیاسی تبدیل کرد و با پاسخ سریع مسئولان مواجه شد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر فقر چندبعدی در متن تجربه زیسته و موانع نهادی بر محدودیت کنشگری سیاسی رسمی زنان است. برای فهم بهتر این محدودیت کنشگری سیاسی رسمی زنان مناطق حاشیه‌ای و سوق یافتن آنان به سمت راهکارهای کنشگری غیررسمی، اعتراض زنان روستای نقدی علیا به مشکل آب آشامیدنی در سال ۱۴۰۰ به صورت موردی مطالعه شده است.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. مطالعات داخلی

درباره علل محدودیت مشارکت و کنشگری سیاسی رسمی زنان در ایران، پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. برخی از این پژوهش‌ها که عمدتاً بر زنان شهری و تحصیل کرده تمرکز داشته‌اند به شرح زیر است:

قاسمی و معالی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «عوامل محدودماندن مشارکت سیاسی زنان (بررسی عوامل محدودماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی از دیدگاه زنان)» به بررسی علل پایین بودن سطح مشارکت سیاسی زنان با وجود نبود موانع قانونی پرداختند و با مراجعه به دیدگاه دانشجویان دختر، دو دسته علت را شامل علل درونی (تمایل درونی زنان به مشارکت انفعالی و نه فعال) و علل بیرونی و محیطی (فرهنگ مردسالار) استخراج کرده‌اند. نقطه تمرکز این پژوهش تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی در محدودماندن مشارکت سیاسی رسمی زنان، آن هم در سطح فعال و نخبگی بوده است.

عبداللهی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «زنان و نهادهای مدنی: مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران» در سه سطح کلان، میانی و خرد، عوامل و موانع مشارکت مدنی زنان را تحلیل و شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی را در مشارکت مدنی زنان مهم ارزیابی کرد. البته پژوهش او بر مبنای تعریف رسمی از مشارکت سیاسی و در چارچوب جامعه مدنی است. قادرزاده و رضازاده (۱۳۹۸) در مطالعه «تجربه زیسته و درک زنان از مشارکت در نهادهای مدنی» حضور و مشارکت زنان در انجمن‌های مدنی را تابع منابع در دسترس زنان و تجربه زیسته فعالیت اجتماعی آنان دانستند. در این پژوهش هم اگرچه به بازسازی معنایی و درک زنان از کنش مدنی پرداخته شده، آن را در تطبیق مفهوم کنش سیاسی به صورت فعالیت در انجمن‌های مدنی، تفسیر کرده‌اند.

پناهی و کامل قالیباف (۱۴۰۰) در مطالعه «راهبردهای مشارکت سیاسی در میان فعالان زن، معلم، دانشجو و کارگر» به تعاریف جدید از مشارکت سیاسی و اشکال غیررسمی آن پرداختند و در شرایط مسدود بودن امکان‌های جامعه مدنی راهبردهای گروه‌های فعال سیاسی را مورد کنکاش قرار دادند. اگرچه در این پژوهش بر تعاریف جدید، امکان‌ها و راهبردهای غیررسمی مشارکت سیاسی پرداخته شده است، در بررسی نمونه‌ها نه زنان حاشیه‌ای و روستایی بلکه زنان شهری تحصیل کرده و دارای سابقه فعالیت تشکیلاتی هدف پژوهش بوده‌اند.

گلایی و حاجیلو (۱۳۹۰) در «بررسی جامعه‌شناختی برخی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی)» تأثیر عوامل، خاستگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده، عضویت و فعالیت فرد در انجمن‌ها، فعالیت والدین و دوستان در انجمن‌های مختلف، بر تمایل فرد به مشارکت را بررسی و فعالیت فرد در انجمن‌ها را دارای بیشترین تأثیر در میزان مشارکت سیاسی زنان ذکر کردند.

منتظری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل جنسیتی نگرش دانشجویان نسبت به مشارکت سیاسی فعال زنان» با بررسی متغیرهایی چون احساس اثربخشی سیاسی، وجود کلیشه‌های جنسیتی، باور به مردسالاری و سقف شیشه‌ای در بین دانشجویان زن و مرد به این نتیجه رسیدند که حضور اندک زنان در عرصه سیاست ناشی از جامعه‌پذیری سیاسی است که سیاست را امری مردانه تلقی کرده و زنان را به حاشیه رانده است.

مرادی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «استراتژی‌های زنان ایرانی جهت ورود به عرصه سیاست و مواجهه با امر سیاسی» با به‌کارگیری مفهوم پیشروی آرام آصف بیات و نظریه‌های فمینیسم رادیکال، راهبردهای متفاوت زنان ایرانی را برای ورود به عرصه کنشگری سیاسی در چهار راهبرد مقاومت جنسیتی جسورانه، بی‌عملی منتظرانه، سیاست‌ورزی زنانه (استراتژی نرم) و عزت‌گزینی مایوسانه بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که سازوکارهای زنان برای ورود به عرصه سیاست همگن نبوده و راهبردهای آن‌ها بین این چهار راهبرد در چرخش بوده است. پرداخت این پژوهش به درک متفاوت زنان از سیاست و راهبردهای متفاوت آن‌ها نقطه قوت آن است، اما راهبردها را به چهار گونه تقلیل داده و خلاقیت‌ها و راهبردهای موقعیتی را در نظر نمی‌گیرد. همچنین تمرکز آن بر زنان تحصیل کرده و شهرنشین است.

براتی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل وضعیت فقر چندبعدی در جوامع روستایی ایران» با استفاده از مفهوم فقر چندبعدی آن را در سطح شهرستان‌ها، استان‌ها و کشور بررسی کردند و نشان دادند فقر چندبعدی در جوامع روستایی ایران در سه حوزه آموزش، رفاه و

سلامت بیشترین سهم را داشته است و علاوه بر عوامل اقتصادی و اجتماعی تحت تأثیر عوامل اقلیمی نیز هست.

وطن‌خواه و قاسمی (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی پیامدهای مهاجرت مردان بر وضعیت زنان جامانده در نواحی روستایی» به صورت موردی در شهرستان مشهد با تأکید بر اینکه مهاجرت روندی جنسیتی داشته، تأثیرات مثبت و منفی مهاجرت مردان جوان را از روستا بر زنان باقی‌مانده در حوزه اقتصادی و اجتماعی نشان دادند و نتیجه گرفتند که مهاجرت روزانه مردان تأثیرات مثبت بیشتری دارد.

کانون توجه اغلب این مطالعات، کنشگری سیاسی رسمی بوده و بر مشارک زنان شهری تمرکز داشته‌اند و درباره کنشگری غیررسمی و مشارکت زنان روستایی پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است. از این رو تأثیر فقر چندبعدی به‌ویژه در شکل روابط نهادی و زیست روزمره گروه‌های حاشیه‌ای در بررسی عوامل مؤثر بر کنشگری سیاسی زنان نادیده گرفته شده است. تفاوت این پژوهش با سایر پژوهش‌های صورت گرفته نیز در نگاه ویژه آن به عامل فقر چندبعدی و محدودیت‌های نهادی در راهبری زنان روستایی و حاشیه‌ای به سمت کنشگری سیاسی غیررسمی به صورت امری روزمره و خلاقانه است.

۲-۲. مطالعات خارجی

در ارتباط با فقر چندبعدی و تأثیر آن بر محدودیت کنشگری رسمی سیاسی زنان به‌ویژه زنان روستایی، مطالعات ایرانی دچار کمبود است، اما پرداخت مطالعات خارجی در زمینه ارتباط فقر چندبعدی زنان در بستر تجربه زیسته و روابط نهادی و کنشگری سیاسی نیز چندان پر بار نیست؛ به‌ویژه زنان روستایی و حاشیه‌ای در ایران عموماً مورد غفلت مطالعاتی واقع شده‌اند. در این زمینه تنها می‌توان از کتاب آصف بیات (۱۹۹۷) با عنوان *سیاست‌های خیابان: جنبش‌های افراد تهیدست در ایران*^۱ نام برد که به صورت کلی به راهبردهای فرودستان و حاشیه‌نشینان برای کنشگری غیررسمی سیاسی و پیگیری اهداف خود به صورت واحدهای مجزا و براساس ضرورت‌های زیست روزمره می‌پردازد؛ اما در آن به زنان نه به صورت یک گروه حاشیه‌ای و مورد مطالعاتی مستقل، بلکه به صورت گذرا و جزئی از فرودستان پرداخته شده است. همچنین مقاله حسنیه ماحوزی (۲۰۱۰) با عنوان «جنسیت و ناهمخوانی فضایی فقر چندبعدی در ایران»^۲ نیز فراوانی، شدت و نابرابری فقر در میان

1. Street Politics: Poor People's Movements in Iran

2. Gender and Spatial Disparity of Multidimensional Poverty in Iran

زیرگروه‌های مختلف جنسیتی و فضایی در جامعه ایران را بررسی کرده و گستردگی و شدت فقر چندبعدی را در زنان روستایی نشان می‌دهد. این مقاله نیز تنها به صورت مقایسه‌ای میزان فقر چندبعدی در بین زنان روستایی و سرپرست خانوار و خانوارهای شهری و مردسرپرست را برآورد کرده است و به تأثیر و پیامدهای فقر چندبعدی در حوزه کنشگری سیاسی زنان و به خصوص کنشگری غیررسمی سیاسی توجهی ندارد.

۲-۳. چارچوب نظری

اتنوگرافی نهادی هم به عنوان نظریه و هم به عنوان روش پژوهش عمدتاً برای مطالعه جوامع حاشیه‌ای و محروم از قدرت، توسط دوروتی اسمیت جهت تحقق رویکرد موقعیت‌مندی و اهمیت تجربه زیسته افراد برای کشف روابط نهادی هدایت‌کننده آن‌ها ساخته و پرداخته شده است. برای توضیح اینکه چگونه مفاهیم انتزاعی و نظریات در جهت اثبات خود جای واقعیات اجتماعی را گرفته و آن‌ها را تحریف می‌کنند، او روش‌شناسی اتنوگرافی نهادی را با پایانی باز و قابل توسعه بنیان نهاد. از دیدگاه اسمیت «هدف مردم‌نگاری نهادی، سازمان‌دهی مجدد دانش امر اجتماعی است تا افراد بتوانند آن دانش را به عنوان بسط دانش عادی ما از واقعیت‌های محلی زندگی‌مان بپذیرند» (Smith, 2005: 29).

در این نظریه، تجربه و فعالیت‌های واقعی با میانجی‌گری متون نهادی هماهنگ‌کننده مطالعه می‌شود. این فعالیت‌های محلی به سیاست‌ها و امور فرامحلی وصل شده و در بعدی فرامحلی درک می‌شوند. «اسمیت قوم‌نگاری نهادی را به عنوان یک رویکرد تحقیقاتی با سه رویه اصلی، تئوریزه می‌کند؛ ابتدا کار روزمره سوژه‌های تحقیق را توضیح می‌دهد، دوم آن‌ها را در روابط اجتماعی محلی و فرامحلی قرار می‌دهد، سوم و در نهایت به تحلیل چگونگی هماهنگی ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های این روابط می‌پردازد» (Hussey, 2012: 4-5). دوروتی اسمیت تلاش کرد افراد مورد مطالعه را از حالت ابژگی خارج کند و آن‌ها را در پروژه تحقیق فعال نگه دارد.

درواقع برای مردم‌نگاران نهادی، افراد موضوع مطالعه نیستند، بلکه آن‌ها باید از مردم درباره کارهایی که انجام می‌دهند و نحوه انجام آن‌ها یاد بگیرند و با آن‌ها درگیر یک کار اکتشافی شوند. اسمیت تحقیق را یک گفت‌وگوی دوطرفه می‌داند که ابتدا از طریق گفت‌وگوی عمیق و مشاهدات از افرادی که از آن‌ها یاد می‌گیرد، تحقق می‌یابد و دیگری گفت‌وگویی است بین محقق و آن‌ها که می‌بایست یادگیری‌اش را با خواننده در میان بگذارد و از این طریق گفتمان را تغییر دهد؛ بنابراین کار قوم‌نگاری نهادی مجموعه‌ای از گفت‌وگوها است (Smith & Griffiths, 2022). از سوی دیگر

قوم‌نگاری نهادی، نهاد را به صورت سیستم درک نمی‌کند، بلکه به صورت روابط حاکمی تصویر می‌کند که از مجرای متون، روابط اجتماعی را تنظیم می‌کند. «قوم‌نگاری نهادی به کاوش در نظم نهادی و مناسبات حاکم از منظر مردمی می‌پردازد که به طرق مختلف در آن دخالت و مشارکت دارند» (Widerberg, 2004: 182).

آنچه در قوم‌نگاری نهادی اهمیت دارد، تمرکز بر متون است و منظور از متون نیز «اولاً شامل اشیای مادی حاوی پیام است (حکاکی‌های سنگی، مجسمه‌های شنی، نوشته‌ها یا تصاویر روی دیوار، نقاشی‌های روی بوم، نوشته‌های روی پارچه، کاغذ پوست، تصاویر در فیلم و...) که قابل تکرار و بازتولید هستند، دوم متون به خودی خود و جدای از نحوه هماهنگی آن‌ها با اعمال مردم در نظر گرفته نمی‌شوند» (Smith & Turner, 2014: 5). در نهایت قوم‌نگاری نهادی «منبع دانش برای افرادی ارائه می‌دهد که می‌خواهند به سمت جامعه‌ای عادلانه حرکت کنند» (Campbell & Gregoe, 2002).

بنابراین درحالی که قوم‌نگاری نهادی برای همه قابل اعمال است، «همچنان که زبان اکثر مطالعات قوم‌نگاری نهادی نشان می‌دهد، نامزدهای مورد نظر افراد تحت ستم هستند؛ به عنوان مثال زنان، رنگین‌پوستان، معلولان، طبقه کارگر و...» (Murray, 2018: 21). فقر چندبعدی نیز به عنوان ساختار و موقعیت تبعیض آمیز برای گروه‌های فاقد قدرتی چون زنان در روابط نهادی براساس تجربه زیسته زنان و تأثیرش بر راهکارهای مشارکت غیررسمی می‌تواند از منظر اتنوگرافی نهادی بررسی شود. درواقع شمول نظری اتنوگرافی نهادی بر مبنای ساختار نظری از پیش موجود و آماده نیست؛ بلکه مبتنی بر مطالعات خرد، موردی و به ویژه موقعیت‌های غیررسمی گروه‌های تحت ستم است که در این راستا بر غنای نظری و تجربی خود می‌افزاید و خود را نسبت به تغییرات تجربی، انعطاف‌پذیر و گشوده نگه می‌دارد.

مکانیسم‌های نهادی به معنای روابط حاکم و متون نهادی به عنوان پیونددهنده و تجلی این روابط، از جمله ابزارهای مفهومی به کاررفته شده در قوم‌نگاری نهادی است. قوم‌نگاری نهادی می‌تواند با تکیه بر تجربه موقعیتی و زیست جهان حاشیه‌ای زنان روستایی و نحوه سازمان‌دهی آنان، از طریق متون و روابط نهادی در تبیین کنشگری آنان مؤثر باشد؛ چرا که حتی مقاومت حاشیه‌ای‌ها نیز از طریق متون تنظیم می‌شود، چنان که اسمیت می‌گوید: «خواننده ممکن است در برابر دستورالعمل متن مقاومت کند، مقاومت نیز توسط متن سازمان‌دهی می‌شود» (Esmithe, 2005: 108).

در این پژوهش نیز متون رسمی، روابط محلی و اجتماعی، تصاویر و متن‌های تولیدی در فضای مجازی به‌عنوان متون نهادی تنظیم‌کننده کنش و واکنش‌ها در نظر گرفته شده‌اند تا در پرتو آن‌ها موقعیت و تجربه زیسته زنان خوانش شود و راهکارهای غیررسمی کنشگری سیاسی آنان قابل‌فهم باشد. به عبارتی فقر چندبعدی و تأثیر آن بر راهبردهای کنشگری غیررسمی زنان روستایی در ارتباط با بستر و موقعیت محلی و غیررسمی، یعنی از زاویه دید قوم‌نگاری نهادی نگریسته می‌شود و گستره کنش براساس تجربه زیسته، واقعی و روزمره ترسیم می‌شود. درنهایت، تأکید موضوع پژوهش بر موقعیت‌های واقعی زنان روستایی، درک تبعیض در فرایند زیست روزمره، تعمیق موقعیت فرودستی در روابط نهادی حاکم، محرومیت از فضای رسمی کنشگری و خلاقیت تأثیرگذاری در حوزه محلی و اتصال به واسطه متون به حوزه فرامحلی، از دلایل اساسی مطالعه موضوع در چارچوب نظری قوم‌نگاری نهادی است.

۳. روش پژوهش

روش جمع‌آوری داده‌ها به‌صورت مشاهده زیست‌مکان روستایی، مصاحبه فردی نیمه‌ساختاریافته با زنان معترض به مشکل آب، که شامل ۲۰ نفر هستند و مصاحبه گروه کانونی با ۱۵ نفر از زنانی که همچنان به وضعیت معترض‌اند بوده است و متناسب با روش‌شناسی اتنوگرافی نهادی، متون نهادی اعم از دستورالعمل‌های اجرایی و خبررسانی‌های دولتی و فیلم اعتراض یا خبررسانی و متون تولیدشده در فضای مجازی نیز بررسی شده است. تحلیل داده‌های مصاحبه، به‌صورت تحلیل مضمون (تحلیل تماتیک) و با رویکرد آمیک صورت گرفته است.

تحلیل مضمون «فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند، تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به‌کار رود» (Abedi Jafari et al., 2012: 153). به عبارتی تحلیل مضمون به چارچوب نظری خاصی تعلق ندارد و بر درک و تفسیر متن استوار است. این روش براساس یک رویه مشخص و در سه سطح، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)، سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل) را نظام‌مند و نقشه‌ای از کل مضامین ارائه می‌کند» (Kamali, 2018: 192). رویکرد آمیک نیز «مدلی است که ایده‌ها یا رفتارهای اعضای یک فرهنگ را براساس تعاریف یا نظرها‌های بومی، مورد ملاحظه قرار می‌دهد» (Mohammadpour, 2011: 228). با توجه به چارچوب نظری اتنوگرافی نهادی که

مبتنی بر تجربه زیسته و زاویه دید افراد مشارکت کننده در پژوهش (افراد مورد مطالعه) است، رویکرد امیک تناسب بیشتری برای فهم درونی تجربه زیسته زنان روستایی دارد.

۴. یافته‌های پژوهش

اهالی روستای نقدی علیای مشکین شهر با ۷۰۰ خانوار در حدود ۲۵۰۰ نفر که ۳۰۰ خانوار آن سکونت فصل دارند (Golshan, 2021)، فقر چندبعدی را به صورت کمبود درآمد حاصل از محصولات کشاورزی، مهاجرت جوانان و مردان خانواده به شهرهای بزرگ برای کار، کمبود امکانات مناسب آموزشی و عدم دسترسی به آب سالم آشامیدنی تجربه می کنند. از آنجا که شاخص های فقر چندبعدی یکدیگر را تشدید می کنند، مشکلات بسیاری را مانند کولبری آب، تضاد طبقاتی درون روستا به سبب مهاجرت و نقص و عدم کارایی نهادهای روستایی به وجود می آورند.

جدول ۱. مشخصات نمونه های تحت مطالعه

ردیف	نام مستعار مصاحبه شونده	سن	شغل	تحصیلات	محل سکونت
۱	گ. ن	۶۵	خانه دار	بی سواد	بالادست روستا
۲	آ. م	۶۳	خانه دار	بی سواد	بالادست روستا
۳	ز. س	۵۵	خانه دار	بی سواد	بالادست روستا
۴	ف. م	۴۵	خانه دار	سواد ابتدایی	پایین دست روستا
۵	س. ج	۳۵	خانه دار	سواد ابتدایی	پایین دست روستا
۶	ه. خ	۶۰	خانه دار	بی سواد	بالادست روستا
۷	ل. آ	۶۱	خانه دار	بی سواد	بالادست روستا
۸	ر. ح	۶۷	خانه دار	بی سواد	بالادست روستا
۹	ل. ه	۵۳	خانه دار	بی سواد	بالادست روستا
۱۰	ک. ر	۵۵	خانه دار	بی سواد	بالادست روستا
۱۱	ل. د	۴۸	خانه دار	سواد ابتدایی	بالادست روستا
۱۲	ج. ن	۵۰	خانه دار	بی سواد	بالادست روستا
۱۳	س. خ	۶۲	خانه دار	بی سواد	پایین دست روستا
۱۴	ه. پ	۵۸	خانه دار	بی سواد	بالادست روستا
۱۵	س. گ	۶۰	خانه دار	بی سواد	بالادست روستا
۱۶	ر. ش	۴۵	خانه دار	سواد ابتدایی	پایین دست روستا
۱۷	ش. م	۶۷	خانه دار	بی سواد	بالادست روستا
۱۸	ر. آ	۳۷	خانه دار	سواد ابتدایی	بالادست روستا
۱۹	خ. ت	۶۴	خانه دار	بی سواد	بالادست روستا
۲۰	ل. م	۵۶	خانه دار	بی سواد	بالادست روستا

گ. ن می‌گوید: «ما حدود ۴۰ سال است آب نداریم، بعد از ساخت سد سبلان هم نه چشمه‌ای هست نه چیزی. می‌رفتیم از روستاهای اطراف آب می‌آوردیم، باغ‌هایمان هم سوخته، ۳۰ سال برای باغ زحمت کشیدیم حالا هیچی نداریم.» مهاجرت از روستا به شهرها مخصوصاً مهاجرت در پی کار و درآمد به تهران چهره جنسیتی و سنی روستا را تغییر داده است؛ به طوری که نزدیک نیمی از اهالی به صورت فصلی در روستا سکونت دارند. آ. م می‌گوید: «جوان‌ها همه رفته‌اند تهران، کسی اینجا نمی‌ماند.»

تغییرات اقلیمی، مهاجرت و افزایش جمعیت به صورت فصلی و ساخت سد سبلان، علاوه بر اینکه حیات طبیعی روستا را برهم زده، کولبری آب را که در گذشته توسط دختران جوان انجام می‌شده نیز بر عهده زنان میانسال و مسنی که در روستا باقی مانده‌اند گذاشته است. این زنان علاوه بر کارهای خانه و باغ هر روز مجبور بوده‌اند مسافتی طولانی را برای آوردن آب به روستاهای اطراف طی کنند. ز. س می‌گوید: «ما هر روز از باغ که می‌آمدیم مجبور بودیم، برویم از روستاهای اطرافمان آب بیاوریم. من نمی‌توانستم، حالم خراب می‌شد.»

ناکارآمدی نهادهایی چون شورای روستا و بومی نبودن دهیار نیز رسیدگی به اعتراض اهالی را به تعویق می‌انداخت. س. ج می‌گوید: «دهیار که اصلاً مال اینجا نیست، گاهی می‌آید و می‌رود. چند بار رفتیم پیش شورا، گفتند: خودتان بروید اعتراض کنید.» ه. خ هم درباره چگونگی اعتراضشان می‌گوید: «ما یک بار اعتراض کرده بودیم در جاده، اما کسی رسیدگی نمی‌کرد، آن روز حال ربابه در جاده خراب شد، ما هم گالن‌های آب را گذاشتیم زمین و گفتیم ما آب نداریم. ماشین‌هایی که در جاده بودند فیلممان را گرفتند، ما هم سنگ چیدیم و گفتیم به ما آب بدهید. بعد بسیج و سپاه آمدند و جمعمان کردند.»

قراردادی فیلمی که در فضای مجازی پخش شد به عنوان یک متن در خبررسانی‌های مختلف مخالف، بعد سیاسی به اعتراض زنان بخشید. ل. آ می‌گوید: «فیلممان در کشورهای خارجی پخش شد، هم آبروی خودمان رفت و هم آبروی دولتمان. برادر شوهرم از تهران زنگ زد و گفت: فیلمت همه‌جا پخش شده.» ر. ح اما می‌گوید: «حضرت علی برای حقش کشته شد، ما هم اگر حقمان را نگیریم دوباره اعتراض می‌کنیم. به من گفتند پوستت را می‌کنیم اما ما حقمان را می‌خواهیم، زمینمان رفته زیر سد، حالا همه‌جا آباد شده اما روستای ما همچنان مشکل آب دارد.»

فیلم زنان روستای نقدی علیا در شبکه‌های اجتماعی به خصوص توئیتر، ابتدا توسط خبرگزاری‌های محلی پخش شد. از آنجا که فضای سیاسی کشور در آستانه انتخابات (۹ اردیبهشت ۱۴۰۰) بود، توجه بسیاری از رسانه‌های مخالف خارجی را نیز برانگیخت و بازپخش شد. کاربران

تویتر این فیلم را با عنوان اعتراض زنان و با هشتگ رأی‌بی‌رأی بارها به اشتراک گذاشتند. همین هم موجب توجه سریع فرمانداری و استانداری و ارگان سپاه و بسیج به مسئله شد. اکبر صمدی فرماندار مشکین‌شهر فوراً در محل حاضر شد و قول داد که تا ماه آینده مشکل آب برطرف خواهد شد.

زنان روستا اگرچه تحت فشار خانواده و نهادهای دولتی نسبت به اعتراض خود دچار شرم شدند، به کارایی آن نیز آگاه شدند. ل. ه می‌گوید: «دولت باید بداند که موظف است مشکل ما را حل کند، وگرنه باز هم می‌ریزم جاده، بیایند من را اعدام کنند. آبی هم که داده‌اند تصفیه نشده است؛ صد جور مریضی می‌آورد؛ سنگ کلیه/امانمان را بریده؛ دو بار شکم من را پاره کرده‌اند.» احمد گلشن (۲۰۲۱) رئیس آب و فاضلاب مشکین‌شهر نیز در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر اهالی روستا را مقصر اصلی در این مشکل دانست و افزود: «با اذعان به اینکه هم‌کنون دو منبع، آب شرب اهالی روستا را تأمین می‌کند، هیچ دلیلی برای سیاه‌نمایی نبود.» ک. ر می‌گوید: «مردم کنتورها را باز می‌کنند چون که آب نمی‌آید.» ل. د هم می‌گوید: «نه کنتور می‌دهند نه مأمور می‌فرستند که مثل برق و گاز بیاید و هر ماه مقدار مصرف آب را هم بنویسد. اگر نظارت کنند، جریمه بگیرند کسی جرئت نمی‌کند آب را برای باغ و زمین استفاده کند.»

یک سال بعد خبرگزاری‌های دولتی از افتتاح پروژه آبرسانی به روستای نقدی علیا در قالب جهاد آبرسانی خبر دادند. «به گزارش دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب استان اردبیل آیین بهره‌برداری از پروژه آبرسانی روستای نقدی علیا در شهرستان مشکین‌شهر با اعتباری حدود ۱۱۶ میلیارد ریال در قالب جهاد آبرسانی با حضور آیت‌الله عاملی نماینده ولی‌فقیه در استان، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان اردبیل، فرمانده سپاه حضرت عباس استان، امام جمعه شهرستان، معاون بهره‌برداری و توسعه آبفا، مسئول جهاد آبرسانی، فرماندار و سایر مسئولان استانی و شهرستانی برگزار شد» (Ardabil Water and Wastewater Company, 2022).

در مصاحبه گروه کانونی نیز تضاد طبقاتی بین اهالی روستا واضح بود. ۱۵ نفر از زنان بالادست روستا هنوز به وضعیت آب معترض‌اند و بیان کردند که «کسانی که پول دارند رفته‌اند از لوله مادر لوله کشی کرده‌اند به خانه‌شان، دیگران هم بدون آب مانده‌اند». آبرسانی سریع و ناقص نیز سبب تداوم مشکل شده است. زنان بالادست روستا می‌گویند شوراها و هیچ‌یک از اهالی پایین‌دست روستا مشکل آب ندارند و اعتراض هم نمی‌کنند، اما آب نه به بالادست می‌رسد و نه اینکه تصفیه می‌شود.

این زنان هنوز هم به آب و فاضلاب مشکین شهر برای اعتراض می‌روند؛ ضمن اینکه از امکان تأثیرگذاری اعتراضاتشان نیز آگاه شده‌اند.

جدول ۲. تحلیل تماتیک داده‌های مصاحبه

حوزه	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	هسته مرکزی
پروژه‌های عمرانی (سدسازی)	خشک‌شدن چشمه‌ها و جویبارها	مقایسه با روستاهای دیگر نسبت به تقسیم نابرابر آب سد	راهکار اعتراضی غیررسمی حاصل فرسودگی روزمره
سیستم بوروکراتیک و نمایندگی روستایی	بومی‌نبودن دهیار و جوان و صوری‌بودن شوراها	لوله‌کشی‌های غیرمجاز و بازکردن کتور	
مشکلات نبود آب سالم	کولبری آب از روستاهای اطراف	بیماری‌های کلیوی و عفونی به دلیل تصفیه‌نشدن آب	
مهاجرت روستا به شهر	تغییر ساختار جنسیتی و سنی روستا (زنانه‌شدن و پیرشدن روستا)	برهم‌خوردن ساختار طبقاتی روستا (تهرانچی‌های توانمند و باقیمانده‌های ناتوان مالی)	
باورهای جنسیتی و اجتماعی	اعتراض زنان موجب بی‌حیایی و بی‌ابرویی	پخش فیلم زنان و بی‌ابرویی	
اقدامات اجرایی (لوله‌کشی آب)	عدم لوله‌کشی صحیح آب	تصفیه‌نکردن آب لوله‌کشی	
	ازدست‌دادن زمین برای سد	ایجاد انتظار در اهالی برای حل مشکل آب	
	نبودن تعاونی و امکاناتی مانند غسالخانه	عدم نظارت به حفر چاه‌ها	
	سالم و بهداشتی‌نبودن آب	هزینه بالای آب مصرفی و کشاورزی	
	فصلی‌شدن سکونت	افزایش جمعیت در فصل بهار و تابستان و کمبود آب	
	مردن برای حق مانند حضرت علی	ازبین‌بردن آبروی کشور و دولت در مقابل کشورهای خارجی	
	برخورداری پایین‌دست از آب لوله‌کشی و باقی‌ماندن مشکل در بالادست روستا	نبود زمان‌بندی مشخص برای آبرسانی	
		آبرسانی ناقص و بی‌برنامه	

۴-۱. هسته مرکزی: راهکار اعتراضی غیررسمی حاصل فرسودگی روزمره

مقوله‌های اصلی مصاحبه را به صورت نقشه راهنمایی تحت هسته مرکزی، یعنی راهکار اعتراضی غیررسمی حاصل از فرسودگی روزمره زنان را برای فهم تجربه زیسته زنان روستایی به کار می‌گیریم و سازمان‌دهی این تجربیات را توسط متون و روابط نهادی در راستای کنشگری سیاسی غیررسمی بازپرداخت می‌کنیم.

برهم‌خوردن زیست‌بوم طبیعی روستا: پروژه‌های عمرانی دولت به صورت سدسازی یکی از عوامل مشکل‌زا بوده است. کارشناسان محیط‌زیست معتقدند این پروژه‌ها معمولاً بدون مطالعه همه‌جانبه انجام می‌گیرند و زیست‌بوم طبیعی مردم محلی را برهم می‌زند. بورن کلاو (۲۰۱۴) در نشست پایداری رودخانه زاینده‌رود با بیان اینکه ساختن سدها سبب تغییر در اکوسیستم منطقه‌های مختلف شده و درواقع سدها، تغییراتی را در جریان آب‌های جاری و منابع آب ایجاد می‌کنند، بیان

می‌کند: «ساخت سدها سبب کم‌شدن رژیم آب‌های پایین‌دست شده و استفاده از آب را در آن‌ها مختل می‌کند و با افزایش آب در بالادست و کاهش آن در پایین‌دست، درجه حرارت و میزان مواد معدنی موجود در آب بالا می‌رود. این تغییرات در بالا و پایین‌دست سبب تغییر در اکوسیستم منطقه می‌شود و مناطق کشاورزی را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.» ضمن اینکه تقسیم و استفاده نابرابر از آب سد در روستاهای مجاور سد سبب نارضایتی می‌شود. این نارضایتی در حالی ایجاد می‌شود که غالباً مسئولان با بیان آبادانی روستاها با سدسازی، انتظاراتی را در اهالی ایجاد می‌کنند؛ در صورتی که این انتظارات برآورده نمی‌شود، روستاییان بیش از پیش با مشکل آب و دوام کولبری آب مواجه می‌شوند و نارضایتی در آنان عمیق‌تر هم می‌شود.

ناکارآمدی سیستم: بومی نبودن دهیار و صوری بودن شورای روستا موجب بی‌توجهی و عدم رسیدگی به مشکلات روستاییان شده و همین هم اعتراضات زنان روستا را به سمت راهبردهای غیررسمی کشانده است؛ ضمن اینکه نبود نظارت موجب حفر چاه‌ها و لوله‌کشی‌های غیرمجاز می‌شود. روستاییان به شدت به این مسئله معترض‌اند؛ چرا که برای آنان این کار به معنای استفاده از پول و امتیاز و سهم‌بری غیرمجاز از آب می‌شود و کسانی که توانایی این کار را ندارند بدون آب می‌مانند. این مسئله شکاف طبقاتی را نیز بین روستاییان آشکارتر کرده و به تضاد میان آنان دامن زده است.

فرسودگی و بیماری: کولبری آب برای زنان روستایی میانسال و سالمند بار اضافی ایجاد می‌کند. مهاجرت جوانان و مردان به شهر، کار زنان را در باغ و زمین کشاورزی و خانه دوچندان کرده است. نبود آب سبب کولبری آب نیز می‌شود. علاوه بر این هزینه تانکر برای ذخیره آب، کرایه ماشین برای آوردن آب از جاهای دیگر، تصفیه‌نشدن آب و استفاده از آب آلوده موجب فرسودگی، ضعف بهداشت، فقر و بیماری در روستاییان می‌شود.

پیامدهای نامطلوب مهاجرت بر زیست‌بوم روستاییان: مهاجرت جوانان و مردان برای کار و درآمد به تهران و شهرهای بزرگ، ساختار جنسیتی و سنی روستا را برهم زده است. زنانه‌شدن و پیرشدن جمعیت روستا اگرچه در استقلال زنان روستایی مؤثر است، همبستگی اجتماعی را در روستا تحت تأثیر قرار می‌دهد و مانع استفاده از راهبردهای رسمی مشارکت موجود (هرچند ضعیف) توسط روستاییان می‌شود؛ مثلاً شورای روستا به امری مصنوعی بدل شده و کارکردهای خود را از دست داده است. افزایش جمعیت روستا به صورت فصلی (در فصل بهار و تابستان) باری اضافی بر منابع انرژی روستا است؛ ضمن اینکه درآمد مضاعف مهاجران (تهران‌چی‌ها) ساختار طبقاتی روستا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب عمیق شدن شکاف طبقاتی می‌شود.

ایجاد مکانیسم شرم و کنترل و نهادینه‌شدن اعتراضات: باورهای جنسیت‌زده که اعتراض زنان را با بی‌شرمی و بی‌حیایی گره می‌زند سبب ایجاد شرم در زنان معترض روستایی برای کنترل اعتراض آنان می‌شود، اما زنان نیز از باورهای مذهبی برای مقابله با این مکانیسم در راستای حق‌خواهی استفاده می‌کنند. پخش فیلم اعتراض زنان در فضای مجازی توسط خبررسانی‌های مخالف در آستانه انتخابات سبب خوانش آن در زمینه ناکارآمدی سیاسی شد و به راهبرد غیررسمی آنان چهره اعتراض سیاسی بخشید. همین هم موجب واکنش سریع مسئولان و بازخوانش آن اعتراضات به‌صورت آبروریزی کشور در مقابل دشمنانش شد و درنهایت نهادینه‌کردن اعتراضات به‌وسیله فیلم سبب تداوم آن شد.

اقدامات اجرایی: خوانش فیلم اعتراضات به‌صورت ناکارآمدی سیاسی و قراردادن آن در آستانه انتخابات در جهت کمپین رأی‌بی‌رأی توسط خبررسانی‌های مخالف، موجب ورود نهادهایی چون سپاه و بسیج برای تسریع در حل مشکل شد. هرچند سطحی‌بودن این اقدامات سبب پاسخ‌دهی مناسبی نشد و لوله‌کشی آب به‌صورت ناقص اجرا شد؛ بنابراین مشکل آب روستا به‌صورت پایین دست برخوردار از آب و بالادست بی‌بهره از آب ادامه یافت. عدم تصفیه آب و نبود نظارت بر حفر چاه‌ها و لوله‌کشی‌های غیرمجاز و نهادینه‌نکردن هزینه‌های آب نیز سبب تعمیق مشکلات شد. به‌صورت کلی می‌توان گفت فقر چندبعدی در شاخص‌های دسترسی به آب آشامیدنی سالم، مهاجرت مردان جوان از روستا به شهر، افزایش جمعیت روستا به‌صورت فصلی، زنانه و سالمندشدن سکونت روستایی، همچنین نقص مکانیسم‌های نهادی برای انتقال اعتراضات در تجربه زیسته زنان روستای نقدی علینا نشان می‌دهد فیلم اعتراض زنان به مشکل آب به‌صورت بستن جاده به‌عنوان یک متن نهادی، رویدادی برآمده از بستر و واقعیت محلی زنان روستا بوده است، اما در مقیاسی بزرگ به امری سیاسی تبدیل شده و به مثابه عمل آگاهانه سیاسی و دارای انسجام گروهی، بازنمایی شده است.

در همین راستا مسئولان محلی نیز آن را همچون آبروریزی در مقابل دشمنان بازفهم کردند؛ به‌طوری‌که اگرچه به مشکل آب روستا رسیدگی سریع شد، آبرسانی ناقص و بدون برنامه، همچنان سبب پایداری مشکل آب شده و تعارض بین بالادست و پایین دست روستا را تشدید کرده است. روابط نهادی سنتی روستا و خانواده نیز عمل زنان را شرم‌انگاری کردند، اما زنان با توسل به متون مذهبی، حق‌خواهی را امری دارای ارزش شرعی بیان کردند و سازمان دادند. همچنین آگاهی از قدرت تأثیرگذاری عملکرد گروهی، در زنان تعمیق شده و تداوم یافته است.

۵. بحث

۵-۱. موقعیت زنان روستایی در تعامل با فقر چندبعدی

منظور از فقر چندبعدی، یک حوزه گسترده از محرومیت است؛ چرا که معیار درآمد به تنهایی «تصویر کامل و واقعی از فقر به خصوص برای گروه‌های آسیب‌پذیری چون زنان ارائه نمی‌دهد» (Nasiri, 2005: 188). درواقع علاوه بر درآمد، دسترسی به امکانات آموزشی و بهداشتی و رفاهی نیز مهم است. معیارهایی چون «شاخص‌های دسترسی به برق و آب سالم (آب لوله‌کشی)، مساحت کف کافی برای هر فرد در خانه، سوخت پخت‌وپز و مالکیت دارایی» (Mahoozi, 2015: 6). در محاسبه فقر چندبعدی در نظر گرفته می‌شوند. براساس مطالعه موردی پژوهش، تمرکز اساسی بر فقر چندبعدی در حوزه دسترسی به منابع آب آشامیدنی سالم برای زنان روستایی است.

به‌طور کلی زنان به‌خصوص زنان روستایی و حاشیه‌ای، نیروی کار پنهان و ارزان هستند. «طبق آمار سازمان ملل، زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل و دوسوم کارهای جهان را آن‌ها انجام می‌دهند، این در حالی است که حدود ده درصد درآمد جهان برای زنان و تنها یک درصد مالکیت برای آن‌هاست» (Montazeri, Tavassoli, & Mirhoseini, 2022: 17). جنسیت خود مانعی در برخورداری از امکانات توسعه انسانی است، اما فقر چهره جغرافیایی نیز دارد؛ به‌طوری‌که زنان در مناطق دور از مرکز و مناطق روستایی، فقر چندبعدی بیشتری را تجربه می‌کنند.

درواقع زنان با عدم برخورداری از امکانات آموزشی، ازدواج زود هنگام و عدم دسترسی کافی به امکانات بهداشتی، دست‌وپنجه نرم کردن با مشکلات آب و آبرسانی و فرسودگی‌های ناشی از آن، فرصت کمتری برای ادغام اجتماعی و کنشگری سیاسی رسمی دارند. در همین راستا مطالعه‌ای درباره توزیع فقر چندبعدی در استان‌های ایران نشان می‌دهد «احتمال فقر برای یک خانواده روستایی به‌طور متوسط، چهار برابر بیشتر از یک خانواده شهری با شرایط یکسان است؛ درحالی‌که احتمال فقر برای یک خانواده زن سرپرست به‌طور متوسط دو برابر بیشتر از خانواده دارای سرپرست مرد است» (Mahoozi, 2015: 15).

ویژگی جغرافیایی و روستایی فقر چندبعدی در ایران با اتصال به گروه تحت تبعیض جنسیتی زنان، حاشیه‌بودگی را دوجندان می‌کند. این حاشیه‌بودگی در دسترسی اندک به مکانیسم‌های نهادی برای ادغام در کنش‌های رسمی نقش مهمی دارد؛ ضمن اینکه محوریت موقعیت محلی و تجربه زیسته زنان از فقر چندبعدی در فرایند روزمرگی، عامل نوآوری در کنشگری غیررسمی است و علاوه بر عمق حاشیه‌بودگی، انباشت موقعیت‌های عادی، واقعی و خارج از محدوده روابط رسمی را در کنشگری به تصویر می‌کشد.

در مطالعه موردی پژوهش همچنین به پدیده مهاجرت از روستا به شهر و زاننه شدن محیط روستایی به عنوان یکی از شاخص‌های فقر چندبعدی تقویت کننده و تأثیرگذار بر راهکار کنشگری غیررسمی پرداخته شده است. «نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن دهه‌های گذشته حاکی از آن است که مهاجرت‌های روستا-شهری در کشور عمدتاً مردگزين بوده و همواره روندی افزایشی داشته است. بدیهی است مهاجرت‌های روستایی با توجه به ویژگی خاص خود (جوان و مردگزينی) تأثیرات فراوانی از جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر جمعیت زنان در مبدأ (روستا) دارد» (Vatankhah, Noghani, & Ghasemi, 2019: 414).

با مهاجرت مردان و جوانان برای کار یا زندگی به شهر، ساختار جنسیتی و سنی روستا به هم می‌ریزد و اثرات آن به صورت مثبت و منفی متجلی می‌شود. گرچه چندبرابر شدن کارها و وظایف زنان، فرسودگی زود هنگام آنان و احساس ناامنی را در پی دارد، زندگی بدون مردان و مدیریت خانواده، استقلال زنان را افزایش می‌دهد و نقش اجتماعی و مشارکت بیشتری را برای زنان به ارمغان می‌آورد. در واقع محدودیت‌ها و عوامل فقر چندبعدی چون مهاجرت جوانان و مردان، کولبری آب، افزایش مسئولیت‌های زنان، بی‌سوادی و تحصیلات پایین و در نهایت ضرورت‌ها و واقعیت‌های زندگی در تعامل با نبود یا ناکارایی مکانیسم‌های نهادی برای کنشگری سیاسی رسمی زنان، زنان روستایی را به سمت راهبردهای غیررسمی کنشگری سوق می‌دهد.

۵-۲. تجربه زیسته زنان و ضرورت کنشگری غیررسمی سیاسی

مشارکت سیاسی که از آن به عنوان مهم‌ترین مؤلفه توسعه سیاسی یاد می‌شود، به معنای «مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی شامل ویژگی‌های سازمان‌یابی گروه‌ها و نیروهای اجتماعی، آزادی آن‌ها در مشارکت و رقابت سیاسی، وجود مکانیسم‌های حل منازعه نهادمند در درون ساختار سیاسی، خشونت‌زدایی از زندگی سیاسی و...» است (Bashiriyeh, 2001: 12) و همواره از مهم‌ترین دغدغه‌های توسعه سیاسی خاورمیانه بوده است.

از آنجا که کشورهای خاورمیانه که عمدتاً با عنوان کشورهای در حال گذار به دموکراسی نامیده می‌شدند، هنوز نتوانسته‌اند تغییری آن‌چنانی در مسیر دموکراسی داشته باشند، به طوری که امکانات کنشگری سیاسی رسمی را به صورت جامعه مدنی گسترش دهند، رویکرد دموکراتیزاسیون با انتقادات جدی مواجه شد و چنین ادعا شد که «خاورمیانه به سادگی دموکراتیک نشد، زیرا فاقد پیش‌نیازهای دموکراسی بود» (Arts & Els, 2012: 13). به دنبال آن نظریه‌های انعطاف‌پذیری اقتدارگرایی مطرح شد؛ به این صورت که «مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، ایدئولوژیکی، اجتماعی و

ژئواستراتژیک در ترکیب با یکدیگر فضایی از سرکوب، کنترل و گشودگی فضای سیاسی را ایجاد کردند» (Ghalibaf & Panahi, 2021: 120). در همین راستا خیزش‌های بهار عربی نیز موجب تجدیدنظر در این نظریه شد.

آصف بیات با نظریه ناچنیش و پیشروی آرام ضمن اینکه بر زمینه متفاوت یا همان استثناگرایی خاورمیانه تأکید دارد، کنش سیاسی را از طریق جامعه مدنی در خاورمیانه و کشورهایی مانند ایران به چالش می‌کشد و با بیان اینکه برداشت‌های متفاوتی از جامعه مدنی وجود دارد می‌گوید: «بدون آنکه بخواهم ارزش مدنیت را پایین بیاورم (که نقش محوری در مفهوم سرمایه اجتماعی دارد)، نظرم آن است که تقلیل بحث ما به جامعه مدنی بسیاری از مبارزات و مناقشه‌های اجتماعی را که در جوامعی مثل خاورمیانه بسیار گسترده‌تر و مؤثرتر از نهادهای مستقل مرسوم وجود دارد، دربرنمی‌گیرد یا کوچک می‌انگارد» (Bayat, 2012: 285).

او به تغییر سیاسی توسط فرودستان از طریق پیشروی آرام و شبکه‌سازی‌ها انفعالی به واسطه ضرورت بقا می‌پردازد (Bayat, 2012) و می‌نویسد: «نباید متوقع یک شکل عام از مبارزه باشیم، بلکه تصاویر کلی غالباً از تنوعاتی که در ادراک مردم از تغییر وجود دارد غافل می‌مانند. باید آنچه را که محلی است به عنوان جنبه‌های مهم از مبارزه و نیز به عنوان واحد تحلیلی به رسمیت شناخت. کنش جمعی سازمان‌دهی شده همه جا امکان‌پذیر نیست و بنابراین اشکال جایگزین مبارزات باید کشف شده و مورد تصدیق قرار گیرد. اعتراض سازمان‌دهی شده در مواقعی که سرکوب حاکمیت دارد، صورتش مرجح نیست؛ بنابراین ارزش فعالیت منعطف، خرد و غیربوروکراتیک باید مورد تصدیق قرار گیرد» (Bayat, 2011: 64-65).

این «شیوه‌های جدید مشارکت که آن‌ها را غیررسمی تعریف می‌کنند، درحالی‌که ریشه در فعالیت‌های روزمره در مقیاس کوچک و پیش‌پاافتاده دارند، اغلب توسط بازیگران ناهماهنگ یا ضعیف سازمان‌یافته خارج از حوزه نهادها و سازمان‌ها انجام می‌شوند» (Bherer, Dufour & Montambeault, 2023) و علاوه بر خاورمیانه و کشورهایی که جامعه مدنی ضعیفی دارند، در کشورهای غربی نیز با افول دولت‌های رفاه و مالی‌سازی سرمایه‌داری (نئولیبرالیسم) این‌گونه مشارکت‌های غیررسمی افزایش یافته‌اند.

در ایران حتی در دوره‌هایی که بسط و گسترش جامعه مدنی مورد توجه قرار گرفت، کنشگری سیاسی زنان اندک بوده است؛ چنان‌که طبق پژوهش‌های صورت‌گرفته، مشارکت رسمی و مدنی زنان در ایران به نسبت مردان و در مناطق حاشیه‌ای و غیرمرکزی، نسبت به مرکز و شهرهای بزرگ بسیار کم بوده است. «مشارکت مدنی زنان به معنای همکاری آن‌ها با نهادهای مدنی و یا عضویت

آنان در آن نهادها در بین زنانی بیشتر است که در استان‌های دارای موقعیت سیاسی-جغرافیایی مرکزی یا نیمه مرکزی سکونت دارند. همچنین در استان‌هایی که از نظر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی توسعه یافته‌ترند، زنان مشارکت بیشتری دارند» (Abdullahi, 2004: 89). علاوه بر این طبقه اجتماعی نیز دایره این مشارکت را تنگ‌تر می‌کند. درواقع «هرچه طبقه اجتماعی فردی بالاتر باشد، دایره شدت و اهمیت مشارکت سیاسی وی بیشتر است» (Golabi & Hajiloo, 2012: 179).

از سوی دیگر اگرچه فقر چندبعدی، تأثیر قابل توجهی در کنشگری سیاسی زنان داشته است، پژوهشی دیگر در این باره بیان می‌دارد که «متناسب با ارتقای تحصیلات، ادغام اجتماعی و مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، مدنی، مدیریتی، رشد چندان نداشته است» (Ghaderzadeh & Yusefvand, 2012: 102)؛ بنابراین علاوه بر امکانات رفاهی، تحصیلات و سکونت در مرکز، فرودستی جنسیتی زنان و باورهای جنسیت‌زده نیز در امکان کنشگری رسمی سیاسی آنان تأثیرگذار است. به عبارتی هم‌افزایی این عوامل بر فقر چندبعدی موجب گسترش کنشگری غیررسمی خواهد شد.

در پژوهشی دیگر چنین نتیجه‌گیری می‌شود که «زنان اعم از اینکه در دانشگاه‌های مختلط یا غیرمختلط باشند، علاقه‌مندی سیاسی کمتری در مقایسه با مردان دارند و فعالیت سیاسی آنان کمتر از مردان جنبه فعالانه دارد» (Dastoori, Mtaghi & Kaldi, 2022: 208). شاید بتوان گفت تعریف عرصه کنشگری سیاسی رسمی به عنوان عرصه‌ای مردانه و فرودستی زنان در قیاس با مردان در عدم علاقه زنان به کنشگری سیاسی تأثیرگذار باشد. به عبارتی «زنان در یک تعریف رسمی از مشارکت سیاسی جایگاهی ندارند» (Josep, 1986)؛ چرا که «زنان فضای رسمی سیاست را فضایی مردانه درک می‌کنند که در وهله اول راه ورود به آن بسیار سخت و پیچیده است و چنانچه به این قلمرو راه یابند، حضوری صوری و ویتروینی دارند» (Moradinezhad et al., 2022: 311). به نظر می‌رسد در عرصه‌های خرد و غیررسمی ضرورت و منفعت سبب حضور پررنگ زنان می‌شود و از آنجا که «کنشگری سیاسی غیررسمی شامل اقداماتی در مقیاس کوچک است و با عمل‌گرایی قوی مشخص می‌شود» (Bherer, Dufour, & Montambeault, 2023)؛ بنابراین امکان و فرصت‌های بیشتری برای زنان در عرصه کنشگری سیاسی فراهم می‌کند.

آصف بیات در شرح سیاست‌های خیابانی فرودستان موارد متعددی از کنشگری سیاسی زنان تهی‌دست را برای بهبود وضعیت زندگی ارائه می‌کند. بسیج و سازمان‌دهی زنان زورآباد در سال ۶۱ و ادار کردن مقامات شهرداری برای توسعه شبکه جمع‌آوری زباله به محله آنان یا تحریم بازار توسط

زنان در مقابل گران شدن میوه و تره بار و تأثیرات بر تنظیم بازار، از جمله این کنشگری‌های غیررسمی و مطالبه‌گری سیاسی است (Bayat, 2012)؛ یعنی می‌توان گفت گروه‌های محروم، از جمله زنان در حوزه فقر چندبعدی براساس ضرورت‌های تحمیل‌شده ناشی از واقعیات عینی زندگی‌شان و به سبب عدم امکان دسترسی به سازوکارهای رسمی کنشگری از همان تجربیات روزمره به شکل خلاقانه برای بیان اعتراضی خود استفاده می‌کنند. درواقع موقعیت غیررسمی و لزوم اقدام برای رفع مشکل این خلاقیت را در فرایند زیست روزمره برمی‌سازد.

۶. بحث

فقر چندبعدی می‌تواند بر نحوه کنشگری سیاسی زنان تأثیرگذار باشد. کنشگری سیاسی رسمی در جوامعی که جامعه مدنی ضعیفی دارند امکان‌پذیر نیست، اما این به معنای نبود راهبردهایی برای تغییر و مطالبه‌گری سیاسی نیست. کنشگری غیررسمی سیاسی در جوامع حاشیه‌ای و متناسب با واقعیات زندگی محلی می‌تواند اهرمی برای تغییر سیاسی باشد. زنان روستاها به‌ویژه با مهاجرت از روستا به شهر که عموماً از طرف مردان و جوان‌ها صورت می‌گیرد با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند. سنگین شدن وظایف و بار مسئولیت‌های زنان یکی از این مشکلات است.

با توجه به روش قوم‌نگاری نهادی، زنان روستای نقدی علیا که با مشکل نبود آب آشامیدنی به‌عنوان یکی از شاخص‌های فقر چندبعدی مواجه بوده‌اند و عموماً به‌دلیل مهاجرت جوانان و مردان روستا به شهر، متشکل از زنان پیر و میانسال هستند، در راستای حل مشکل خود و رهایی از کولبری آب و هزینه‌های مضاعفی که برای تهیه آب پرداخت می‌کردند به اعتراض برخاستند. نهادهایی چون شورای روستا، دهیاری غیربومی و متون نهادی غیرمؤثر با مسکوت‌گذاشتن و عدم رسیدگی، آنان را به سمت کنشگری غیررسمی سوق دادند. یکی از راهبردهای زنان در مسیر کولبری آب، بستن جاده اردبیل-مشکین شهر بود.

در دومین مورد اعتراض، فیلمبرداری از اعتراض زنان روستایی و پخش آن در شبکه‌های مجازی و خبررسانی‌های مخالف در آستانه انتخابات ۱۴۰۰ سبب دیده و شنیده شدن مشکل زنان روستا شد. این فیلم به‌عنوان یک متن نهادی، هم اعتراض زنان را معنادار و جهت‌دهی کرد و هم موجب واکنش سریع و پاسخ‌دهی مسئولان محلی به مشکل آنان شد. اگرچه پاسخ‌دهی سطحی بدون ارزیابی‌های کارشناسانه سبب حل کامل مشکل نشد و همچنان مشکل آب روستا ادامه دارد، زنان روستایی را نیز به امکان‌ها و قابلیت‌های تأثیرگذاری اعتراضشان آگاه ساخت.

درواقع به دلیل فقر چندبعدی و نقص سازوکارهای نهادی، گروه‌های حاشیه‌ای همچون زنان روستایی امکان مشارکت سیاسی رسمی ندارند و به همین دلیل برای شنیده شدن صدایشان به کنشگری غیررسمی روی می‌آورند که عمدتاً این کنشگری‌های غیررسمی ماهیت اعتراضی دارند؛ بنابراین برای حل مشکلات این گروه‌ها و تقویت مشارکت رسمی سیاسی باید به فقر چندبعدی زنان در روستاها و جوامع حاشیه‌ای و رفع آن توجه و اهتمام کافی صورت گیرد.

۷. نتیجه‌گیری

گروه‌های اجتماعی برای بیان خواسته‌ها و تأمین تقاضاهای خود از نهاد قدرت به راهبردها و روش‌های مختلفی متوسل می‌شوند و به کنشگری سیاسی می‌پردازند. در صورت برخورداری از مجاری رسمی و قانونی، با استفاده از آن‌ها برای مشارکت سیاسی اقدام می‌کنند و کنشگری سیاسی خود را به صورت رسمی بروز می‌دهند. در غیر این صورت و در مواردی که امکان تأسیس و بهره‌مندی از نهادهای رسمی برای مشارکت وجود ندارد، به کنشگری غیررسمی روی می‌آورند. روی آوردن به کنشگری غیررسمی عمدتاً اعتراضی است و معمولاً با جنبه‌های ابتکاری و نوآورانه همراه است. این دو ویژگی، نهاد قدرت را در مواجهه با آن، با چالش روبه‌رو می‌سازد؛ زیرا اعتراضی بودن موجب بروز خشونت می‌شود و ابتکاری بودن موجب می‌شود هر کنشی صبغه محیط و شرایط وقوع آن را بگیرد، و نهادهای رسمی را در استفاده از تجربیات پیشین برای مواجهه با آن محدود سازد. این امر می‌تواند به به کارگیری روش‌های نامناسب در برخورد با کنشگری‌های غیررسمی منجر شود و آن‌ها را نیز به سوی خشونت سوق دهد. از این رو ضروری است با تقویت نهادهای رسمی برای پاسخگویی به خواسته‌ها و تقاضاها و با فراهم کردن سازوکارهای لازم برای کنشگری رسمی برای گروه‌های اجتماعی از جمله زنان گرفتار در فقر چندبعدی، کنشگری گروه‌های اجتماعی به سمت مجاری رسمی هدایت شود تا گرایش به کنش‌های غیررسمی و اعتراضی برای تأمین خواسته‌ها و تقاضاها محدود شود و به یک رویه تبدیل نشود. در این صورت از کنشگری‌های غیررسمی چالش‌زا برای دولت‌ها کاسته خواهد شد.

۸. پیشنهادها

در سال‌های اخیر، کنشگری‌های غیررسمی سیاسی نه تنها در ایران، بلکه حتی در کشورهای غربی نیز گسترش یافته است. البته در ایران این امر بیشتر از هر چیزی به فقدان سازوکارهای نهادی رسمی برای کنشگری سیاسی و ضرورت‌های زندگی جوامع و گروه‌های حاشیه‌ای برمی‌گردد. با توجه

به اینکه کنشگری‌های غیررسمی متناسب با زمینه و بسترهای مختلف، شکل‌ها و ماهیت‌های متفاوتی دارد، بررسی این تفاوت‌ها و تأثیرات فقر چندبعدی در حاشیه‌سازی و غیررسمی شدن کنشگری‌های سیاسی نه فقط در روستا بلکه به صورت کلی در حاشیه‌های جغرافیایی و شهری نیز در پژوهش‌های آینده ضروری است. تک‌بعدی بودن فقر نیز می‌بایست در مطالعات آینده به چالش کشیده شود و ابعاد مختلف آن در بستر اجتماعی-سیاسی ایران آشکار شود.

۹. تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافی توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Aarts, P., van Dijke, P., Kolman, I., Statema, J., & Dahhan, G. (2012). *From resilience to revolt: making sense of the Arab spring*. University of Amsterdam, Department of Political Science. Retrieved from: https://pure.uva.nl/ws/files/1850981/141542_From_resilience_to_revolt.pdf
- Abdullahi, M. (2004). Women and civil institutions: Issues, obstacles and strategies of women's civil participation in Iran. *Iranian Journal of Sociology*, 5(2), 63-99. <https://doi.org/10.22034/sm.2022.552373.1868> (In Persian)
- Abedi Jafari, H., Taslimi, M.S., Faqihi, A., & Sheikhzadeh, M. (2012). Theme analysis and theme network: A simple and efficient method to explain the patterns in qualitative data. *Strategic Management Thought*, 5(2), 151-198. <https://doi.org/10.30497/SMT.2011.163> (In Persian)
- Ardabil Water and Wastewater Company (2022). Inauguration of the water supply project to the village of Naqdi Alai in Meshkinshahr city in the form of water mobilization. Viewed on 2023, 3-8. Retrieved from: <https://www.abfa-ardabil.co.ir/fa-IR/Portal/3821/news/view/12227/5163/Staging/>
- Barati, A. A., Moradi, M., Zhoolide, M., & Sohrabi Mollayousef, E. (2021). Analysis of multidimensional poverty in Iranian rural areas. *Journal of Rural Research*, 12(1), 44-61. <http://dx.doi.org/10.22059/jrur.2021.296661.1449>
- Bashiriyeh, H. (2001). *Obstacles to political development in Iran*. Tehran: Gham-e-No. (In Persian)

- Bayat, A. (2011). *Life as Politics: How Ordinary People Change the Middle East* (2nd ed.). Translated by: F. Sadeghi. Angare online publication. Retrieved from: <https://engare.net/life-as-politics/amp> (In Persian)
- Bayat, A. (2012). *Street Politics: Poor people's movements in Iran*. Translated by: A. Nabavi Chashmi. Tehran: Paris Danesh. (In Persian)
- Bherer, L., Dufour, P., & Montambeault, F. (2023). What is informal participation? *International Journal of Politics, Culture, and Society*, 36, 1-16. <https://doi.org/10.1007/s10767-0-22-09440-z>
- Campbell, M., & Gregor, F. (2002). *Mapping social relations: A primer in doing institutional ethnography* (2nd ed.). University of Toronto Press.
- Dastoori, A., Motaghi, I., & Kaldi, A. (2012). Gender, female identity and political participation in Iran. *Sublime Politics*, 10(37), 205-218. <https://doi.org/10.22034/sm.2022.552373.1868> (In Persian)
- Ghaderzadeh, O., & Yousefvand, H. (2012). Sociological factors effective in women's civic participation. *Women in Development and Politics*, 10(4), 101-126. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2013.30577> (In Persian)
- Golabi, F., & Hajiloo, F. (2012). Sociological review of political participation rate of women and some social factors affecting it: Case study in Eastern Azerbaijan Province. *Social Studies and Research in Iran*, 1(1), 173-200. <https://doi.org/10.22059/jisr.2012.36552> (In Persian)
- Hussey, I. (2012). Political activist as ethnographer revisited. *Canadian Journal of Sociology*, 1(1), 23-37. <https://doi.org/10.29173/cjs10214>
- Joseph, S. (1986). Women and politics in the Middle East: Merip Middle East Research and Information Project Inc., 138, 3-7. <https://doi.org/10.2307/3011903>
- Kamali, Y. (2018). Thematic analysis methodology and its application in public policy studies. *Public Policy Quarterly*, 4(2), 189-208. <https://doi.org/10.22059/PPOLICY.2018.67875> (In Persian)
- Mahoozi, H. (2015). *Gender and spatial disparity of multidimensional poverty in Iran*. OPHI Working Paper No. 95, 1-26. Available from: <https://ophi.org.uk/sites/default/files/OPHIWP095.pdf>
- Mehr News Agency. (2021). *Water shortage tension in the village of Nakhdi Alia: The Villagers are Responsible*. Viewed on 2023-08-02. Retrieved from: <https://www.mehrnews.com/news/5202938> (In Persian)

- Mohammadpour, A. (2010). *Anti-method: Logic and design in qualitative methodology*. Tehran: Sociologists. (In Persian)
- Montazeri, M., Tavassoli, A., & Mirhosseini, Z. (2022). Gender analysis of students' attitudes towards active women's political participation. *Women Social and Psychological Studies*, 19(4), 170-204. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2022.38434.2543> (In Persian)
- Moradinezhad, Z., Karami, M. T., Amini, S., & Zokaei, S. (2022). Strategies of Iranian women to enter the field of politics and face political issues. *Women in Development and Politics*, 21(2), 287-314. <https://dori.net/dor/20.1001.1.25383132.1401.20.2.7.8> (In Persian)
- Murray, M. O. (2018). *Doing Feminist Text-Focused Institutional Ethnography in UK Universities* (Doctoral dissertation, The University of Edinburgh).
- Nasiri, M. (2005). Poverty and discrimination: The causes of the limitation of the social development of Iranian women. *Political-Economic Information*, 19(17), 186-195. <https://www.sid.ir/paper/477164/fa> (In Persian)
- Panahi, M. H., & Atena, K. Q. (2021). Political participation strategies among female activists, teachers, students, and workers. *Quarterly Journal of Social Sciences Allameh Tabataba'i University*, 27(91), 113-156. <https://doi.org/10.22054/qjss.2021.53810.2267> (In Persian)
- Smith, D. E., & Griffith, A. I. (2022). *Simply Institutional Ethnography: Creating a Sociology for People*. Toronto Press.
- Smith, D. E., & Turner, S. M. (2014). *Incorporating Texts into Institutional Ethnographies*. University of Toronto Press.
- Smith, D. E. (2005). *Institutional Ethnography: A Sociology for People*. Altamira Press.
- Tasnim News Agency. (2015). *Indiscriminate Dam Construction Causes Changes in the Ecosystem*. Viewed on 2023-08-02. Retrieved from: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/10/21/615480> (In Persian)
- Vatankhah Noghani, A., & Ghasemi, M. (2019). Survey of Consequences of Men's Migration on Situation of Left-behind Women in Rural Areas (Case Study: Mashhad County). *Women in Development and Politics*, 17(3), 413-438. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2020.270913.1007540> (In Persian)
- Widerberg, K. (2004). Institutional Ethnography: Towards a Productive Sociology: An Interview with Dorothy E. *Sociologisk Tidsskrift*, 12(2), 179-184. <https://doi.org/10.18261/ISSN1504-29282005>